



و هستا نه و به رام به ر کونه په رهستي
ئه رکي ئازادي خوازان و به ره دى سو شيا ليستي يه

هاوکاتی پدره دندن کیش و ناکوکی نیوشان
جزمه کانی دسمه لات و بینی نوپیشی له سه شامگاهی
سیاسی له هد رفعه دهد و دستگاه امنیتی، هاوکاتی
خرا پر تیروپیو کوچه ایران خک داد و پدره دندن بیکاری
و هژری، ...، کونه پدره رستمی اسلامی سیاسی و
ناسیانگلستانی دهده لایلاند، هیکشکانیان بنی سار
ماش و شکو و زانیه دیده سه دستگاهی کانی دانیشانوی
له هد رفعه تقدیر و دروده شود.

پسند اوی اکتیویتیز کروز نشاد، خن کس کور دسته ایان
عینزان پیدا شت و پیدایشی می شد که همچنان ایشانیه
لیسته شده بودند و کوهان و فرانسی خیزندگان همچنان
بینیشیت مانگردنیه و همچنانیه و همچنانیه ایشان
له زن که اندیشه و موهه و درمانیه اینها را کردند، له
داینکنکون همان کار و برونو و برونو و کرنی، له
داینکنکون خزم کروزیار نهاد و ناو و کاربیون
و تقدیر و تقدیر، و داینکنکون شنازی و مافه
که که ایشانیه بسیاریان، بهم همه و شو بینیش
جا و روز و اینسانیه بینه و اوانه در درج و درج.

کوکه، همه و کوکی پاشیستکان مامه نه نه کارکشان
 نه کلکل هم مه که بدهید و همه بکوکی بروندندی
 پاسیسیستکانی و تقدیماند و که بینشی پارادیستی موزان
 سردوکن و بزندخان و بیلیمیستی کاشه
 نه دریش بیزور ... به بزندخان و بیلیمیستی کاشه
 بازدیگراند.
 نه بلامار و دستداریزی به کوهه نه بی سرچکا
 له شارکان کورستانان، لرهی شه بولیک
 تزی نویس کونه دهست سپاس و بروندندی
 کوکه تیتیتیتیتی، و ریککه تیبیه و ناماگردانه
 و هاندراده، نامانچ نیس روادنیشادی و تازمای
 هشتمانه داشتی اسوساری و کوککشی و کاسکارانه خان
 توقیف و داده پاندش نه ریشه به درجه روکانه خیزان
 خ لکس نازادیشاوازی کورستان، تو اوانیز به درگاران
 سه همه و بزمیست و اوانیزه سارکوده که هیچینه
 دستپیرک، و زینهیمان بیزور دسته و ناقله
 روزگاره بروت

چه وساندنه وهی ڙنان یا له ناوې بردنیان، دوو دیدگای چیواز

سنه مکاری و سه رکوت و هشادواردن ذری زن بتو همراه مرتفعیتی نازادیخواز و یه کسانیخواز
و نیمناندوفست و لسه هر رزو هه مومنسانه و بتو همراه زن و کینکی گندج شرقیکی
بسه ردهدا و نهراویدیه. و هر ده میش بس دهای آنه و پرسیاره و دیه که سه رجاوهی نام
ستهم و تواناکاریمه ذری جنسی به شاری زن چیه و نه سلن بوجی له نازادایه؟
موئیه ده حمهد ل ۳

مدونہ یہود نہ حمد

خویندگاران، ماموستایانی و انبیّر و کریکارانی ژینگمپاریز نادر عهبدونجه میدله قوربانیانی سیاسته‌تی نابوری نخشمندانه و ناگاهانه‌ی حکومه‌تی هه‌رینه

پیشیلکردنی مافه کانی خانه نشینان
نایبی چیتر دریزه‌ی پی بدری ؟
علی م Hammond نه مین لء



سالار مامه که دریم ل ۱۱



تونس: بارودوختی ولاتهکه و هه لیزاردی یه رله مانی له چاوینکه و تینیکدا له گهان عه بدوا لا سانح

کامه جامی کام جیهانه؟! به بُنهی (جامی جیهانی، فیفا قهقهه ۲۰۲۲) عبدهلا ساخت ر

فیلمیزم و چیندر، خویندن و چیندر بۇ دۆخى كۆمەلایتى ئىن... فوھەت واحد حمید ل ۱۰

بزوته‌وهی جه‌ماهوری کریکاری فرهنگ

محله مهد سالح ئەلقەزار

لئو و را به ره کریکارهی عه رشی پاشایه تی هه ڙاند، کي ٻوو؟

۱۱۱ .. عه بدو لا سليمان (مه شخه ل)

بانيزه‌ي هدوب و گلتور
ناماده‌کردنی / عبدالواهاب ساییمان (مشهدی) و جهانگیر کوشش

- ٥ -

- ५

بانیڑھی ئەدەب و گلتوور

کوْمَه لَنَاسِيْك چَه يَلَه لَيْدَه دَا

دزگان عممه، ...



تۆپى پى گۇرەپانى مۇنۇپۇلى سەرمایىه و ئايىدىيولۇزىا

جہہ مال کوشاں

دریم، دامه زرا، نشم کانگاریهای سله بیری تالا^۱
و دریزش خوش ساخته باخواهک، شه شفون سارهایه
پیشنهاده داشته هنرها و تواندیده و دیگران را کسی
بایاریزی نهانه توپویسی پیشی، تینائستا^۲ کسی
ناناگاهه و کلکه و فرسخه و سه نهانیان اند
کانگاره و کلکه و کلکه و کلکه و کلکه و کلکه
نیزه فروخت. میسر دودوم والته که کانگاریهای نن
دکتریته و تورقیکه بدهد و دکتریه فراز و فراز بکن.

۱۰۶۱- و بدهه و بفرهنگتی و بزرگتی قاتمه ری باشه
باشد من جیمه مهشی کری، کارکش زیره و زیره
بازی و بیوه کان ریکوزدی چیهانیان شکاندووه، له همیار
و مامیس و میسیس.

فاقتدار تی تیچوچو سازدانی چامس چیهانشدا،
کیکوردی چیهانی تینهه راند. ۲۲۰ میلاده دلوار
و بدهه و بفرهنگتی سه رهایده داران لهم پیشه سازنده،
بیدنک له هم ترسیده و ترسیده نهانسته کایهیت،
سره درودی چوکو که کریکارا گلکیهانیه هدسته است و
لهم اویه نهانه کانه و کانه و کانه و کانه و کانه و کانه
خواهه و خواهه تانیشنسته به دودومه.

۲۰۲۲ دیسٹریکٹ کوڈ



بُو بُوسو و به ناساندا جوچو کرک و پونوس خدایان
سالانه با پاییز و سَدَرَوْ و پاره و پوره و دکانیان،
چرگندنه و پوچه و پادشاهیانه که همینهاشان
له همچند یانه بیده و مونتوپورکدن شاهزاده همچند
نامه پارازشانها، فرخگذرهنار لایلانه و ملاده رویه
نیوکسیکا شاهزاده خانه ایشان را پس از میانه
نامه پارازشانها، فراوانکردند و به شاهزادی
و نهاده ریکه که اشانه و، فراوانکردند و به شاهزادی
دوشه تان هم جا می خواسته باشد $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{4}$ ، هودلان
پر از هاده اندانه داشت برایکه همه روزه، پر ایان
نیوپیرلرینه نه ما رکیتی و درزشان، کلاون زنگره و
ستفانان را پس از میانه دادند و میانه دادند و میانه
جهان بلو بوده نیز تو زاده ای ایوبیانه $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{4}$
و ذرجه به میانه ایان نیوکاره شاهزاده که اشان
شیخه نهاده و که اشان و به پدردهت، کاوی دکمن \dots

یانش نیزه ریویوس بدریتیان، ۱۸۹۲م، مقصده
از اینکه کردکش فرقشتن پرداختن بوده و
خوبیان بتوئه بندو هدایت شد و روزی نیزه کردکش
بیست. نهم و در روزه له بیهیان، ۱۸۰۱م، میلادی
له بادوه تپه کوهه له کاراک و پارک و ۳۰۰
هاندوچه ایلچه کردکش داوسونه شیشیت
وردن، بازاری اهلانیتیکی گهار رویه و هیهیان
که کردکش فرقشتن پارک و کندنه و بندو و هیهیان
و نوینی کوهه شکان همراهان او وکی پیش و سوتانه
له کاراک چاویکه و تپیده له روئانه دی تنسایت
در دیده بیرت.

پیشیدن به ردهه ندی پارچه جوش و دررش به بیویش
و هزی زری کنیتی خوش بیویش و خوانش به بیویش
به سرسه که دیده میلیقیش و به میلادیش به کوکه
و میشکه درده، دره هفتیکش زیریش بتو و دره رهشان
وکه نهاده سمه راهه پیدا بیو و دره دیگه
و تویزیک، نیتیتیک، پروفسیونال و رایل و پیلاس
و پاریکه ایلچه کارکشان و کهکه بیویش و دیویش
و بریویش و اینه که هیار کارکش بتو و گل استیتیک
پیکنیکیه. پاریه کان دینه کالا خواون کالاک
یانه کانیکهان و کریکارهان هدایت شد، به پیشان
که دهه هسته کار و درش و کهکه هسته قیکاره کوکی
یانش و کهکه ایلچهان و دیگه هسته قازاجیش ملیهارین بتو خاوه
یانش و کهکه ایلچهان.

نتیجی پیش و نیولبرایز

لیسنه ندنده و درش له چه ماور وک چالاکیه کم
چیزه شیخش کوهه لایه لایه، فرقشتن
پیش کردکشندو یاریه کان، مه زاریانه نیکانیکه ایلچهان
لمسه انسانه که بیهیان بتو ناماکدش بیهیان
پیشیده کان و بکالاکدش یاریه و بدن پیشیده کان

جامی جیهانی توپی پیش نہ مسال له قافت
له بیدا وله بیرویار کشیت، بمقابیت
هزی پیوندنی و نزیک همه لهه لندی نهی
نیاندنه، وکی دایریدیگی کنو نہ سوزور لیده
سرچنی درا۔ درا-دریکویه که جهودیه
و دری و دری (ایلار) دری اندکاده راهی به
سیویویه له تاشیویه، نیرادی سه رکی نام پوشان
سه توپوندی کشیز نایدیکویه رکی پر مکتوبه
میستوند مایانیه، چون رسماهیه نم و دریز
داگیرکویه و شیشه هیلاریک دکاند او
و دامزه اوناکوسه دلاره فتنه اسنانه سه
جهودیه سانیه، پیش سانیه
پیکر خسته و گفندانه، بمقابیت فخری
که جامه که به قهقدار فخری، له میز
فقط خداوندیو، سب سه رکی پیش
فیضا رویکه که گذانکی سخنسته رکه هر کوکه
روزانه ای (له مومن) دانشته سه قویه
بمقابیل خسته، سوچه نوچه (کیتکیه) فیضه
توپی پیش نهودیه و (نیزه) سارکوچه
پیش نویویه دولوئیه هر دنسا و تهیم بن
نه تاقان (نه بیهی) قهقدار ۲۰۱۰/۱۲/۷
کفکف شاهانه لایلکوکه، ایشان شده و میز
یانه پارسینه جیرمه منی به رکی (ماینیزه)
کری و شانش نهوده که هدنه کش که نوازن اس ک
بمقابیل پلاتانه وله وده هدنه و دریز
نه دناس بیلاید برویه راهیتکدیه ناشکرا
زورکه دنیه لاید ایلکوکس جامه کوکه
که استنکتیه سه هزار کاسکس وونون
پدانو یانکه کانی وکی رکه سیواتوره و زارچیه به
نامانکه کانی وکی فلیپ لام و شفان شفانکه
سون، تقدماته کوکه قوهسته نہ دسما لانکو
پایکوت شا شوشی ای لایلکوکه دو، روزه امیده بیسا
نه امائی دنیوستیک ایلکوکت دنیوستی سه رکی
و ده نهاده توپیه هاشوتسه کارکن کالبرت
شونکی زوارت و بچیه، سیستانه رامینگ، پیکنی
سات نایاب (نیزه) نویسند و قوه، بیو پارکلر
لوکنکی نینخته دانا (نهین زیت زیت سوتانگ
نه نویسنه له دوو به پیکنیت:

یه که هه موئس سرمهایه و قازانچ له پیشه
 و دریش دا
 دوو: دریش و دک شوناسی ناییدنؤشیا و نای
 نینیمان
 نهودی لیندرا بلاکاردا و متهه تهه بهش یه کدهمه
 تقویت و سرمایه
 کاتانیک (جیون هوئندیگ)، خاودنه کارگهده
 چکوئنه بیرددوستکردن، دستتپیردو دامه زارهه

تونس: با رو دو خی ولا ته که و هه لبڑاردنی په رله مانی له چا پینکه و تیکدا له که لع بدولا سالح
ئه وهی له تونس ده گوزه ری دوو باره کردنه و هه مان نه و مودنه هی مسیره له شکسته هناني سورش

پاره زنگنه کانسیز به هماری عربی بیسی که نه توتن
وو دستن پنکده ته وریزی داد (۲۰۱۰-۱۷-۱۷) شووش-
شوش (اسپینه) ناوارن، دو نامه کاماده
به دوپوراه گفته اند و هیزینک در نهضت روزنگ کوتا
سات، و همه را ولاته بی مونتیک نهم
فرموده بودند. بی نفعه نهادند (ایرانی)
سوریا و یهمن، ولاتکه به درمو شدرو میان
دستنوتیدان در دوکی ناوارن بیهوده همان طبق نیست
رفشت و ندم کارهستان تا نه مرقش و شوشادی به دردو
له (میسر)، به هاشمه سر رکاری زنگنه کانسیز
نه نهادند (ایرانی) و دواتر دوچتن سویا وک نونات
هیزینک شوش-شوش و لادا (خواهشکار)، که آنده
دیکاتوریتیه عوام سکار مکانیکی ایه
ولاتکه دکرا بلین چورک ته (دیکاتوریه)
تندیا سوچنگه سماقوری بتوس (توس)، پوی، بهاده
زونگنوتیه دهه زهه- حركه (النضه)
نه هیزینه نیسالامیه بی پلکشانی ندم ولاته بی
ده همان ندیمه نیکیه فیلوفیانه اند اسراهی (لوک)
(قاتدر)، دستبردن پیو تیزیو که اسراهی
پیشکوتو خوازه زکانی وک شوکری (علیعی)
امحمدیه (درآهی) به سات، کرکنده
پیاسات نوبیانی به لوه باری نایار (بایرد)، ندم ولاته
به درو هماندیکی ترسنک برد. هاشمه سر داد
سه روی که هماری بستنیاتی ندم ولاته (اقیس) بی
له نه تجاهی که هماری بستنیاتی ندم ولاته (اقیس) بی
به ریشه پیش نه (۲۰) دندنه کان دره نجا

مکانیزم این مقاله از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول در آن بازگشایی مفهومی پیشنهاد شده است و بخش دوم نتایج این بازگشایی را بررسی می‌کند. این مقاله از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول در آن بازگشایی مفهومی پیشنهاد شده است و بخش دوم نتایج این بازگشایی را بررسی می‌کند. این مقاله از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول در آن بازگشایی مفهومی پیشنهاد شده است و بخش دوم نتایج این بازگشایی را بررسی می‌کند.

تابووه، او داچکرده نه ششه^۱ کیاکیدی بخیرته به درد
پور روزگار وونس و لات مه ته کنتریم.^۲ همکل دندوی
شم دندانهایکله وکی وکی وکی وکی وکی وکی وکی وکی
ریکفراوه له توئس، بیلام هدا شکرنهونه ودا
سپاهانه کلنه ایمه کلنه^۳ کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه
له ده پوره وندهیه باوره کلنه^۴ کلنه کلنه کلنه کلنه
و زهمتکشنه^۵ له چوارچینه و کلنه^۶ همان دسهه لاتا
بدلا و لوت ناجه و کلنه^۷ چاوهونه باه^۸ پارکدن
کلنه
شووش کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه کلنه
دوووه، سپه^۹ ژنان له^{۱۰} توئس^{۱۱} که^{۱۲} نه دلویش
منیویه کیه وور دنیزیه^{۱۳} له خدمات بیو
زا منکردنیه ماضی پاکسانی^{۱۴} ژنان به پیوان، هم
له^{۱۵} همه^{۱۶} کلنه^{۱۷} کلنه^{۱۸} کلنه^{۱۹} کلنه^{۲۰} کلنه^{۲۱}
له^{۲۲} کلنه^{۲۳} کلنه^{۲۴} کلنه^{۲۵} خانه^{۲۶} دسته^{۲۷} نه^{۲۸} لاتنه
کلنه^{۲۹} کلنه^{۳۰} کلنه^{۳۱} کلنه^{۳۲} کلنه^{۳۳} کلنه^{۳۴} کلنه^{۳۵}



چه وساندنه وهی زنان یا لهناو بردنیان. دوو دیدگای چیاواز

A portrait photograph of a middle-aged man with dark, wavy hair. He is looking directly at the camera with a neutral expression. He is wearing a light-colored, patterned button-down shirt. The background is a plain, light-colored wall.

مودودیہ حمد

<https://socialistworker.org/2013/01/31/marxism-feminism-and-womens-liberation>

شورش و دژه شورش له په یوهند

تعییناته دهربیرم نه لیم
کی فویدا نین که تازه
ترندنه وهی چاره‌نویسان،
کی میزروویدا شرده که
نیکاشوه و بدیل گیراوه
امه چینایه‌تیسه‌کان و
وسینراوه‌تهوه.

سهر به شیوه‌های کی تر نهاده
نه له نیستادا زنان له ش

کان که چوئی ییساوه
انیا و ولاته کانی تری
و درگرتنه لهم هیزه
دننه و که لک و درگرتن

جهه‌سلى نەۋەدى كە دارى
مۇلەكە كانىيان كرد لە ئە
مۇرۇپا، بەلكو بۇ سە
ئىنسانىدە لە رىگەي چەمۇ

ایه ئەلی، بۆ ناسینى
پیوسته ئە و هۆکارانە
و دىاردەدە نەرھەم

ارکس لہ شوئنیکدا بھم
مہر دیار دیدیہ کی کو مہلے لایہ نہیں
ناسین کہ سر دلہ نہیں

بء سالیادی ڪوچن رِوْف ھسَن

شاعری : بهنדי علي



که روخته‌ی لمباران دهگرت،
بو پیوه‌گسانان ناباری بسوار
په خدت و په شیطه مومومنانه
که گازنده‌ی پوکولله‌ی خیل
که بی نهوده‌ی پاچت بدهن له
بوجچه دهشتی گنهه خدونهانه
کاتی تفه دهکرده نیو ریش و
کاتی دهیرگوت، چاره‌ی شکانه
قد پرگره کان له نازاده، تمزها
پاساریمه چاهه بازار و ترسنونکه
نه هزاره زی ته سکی نیشتمان،
به گوییا به کدا ده یانچه پیاند ..

جاوشا رکی لہنگ تھنیا پیا

شیعری : رونان ئە حمەد

شو: به تارکیک پیشنهاده ود،
 به ناگوئت هد سترینگاده ود،
 بدو همودو بیندگیه و،
 ندو همودو غه هه بشندوه،
 که له همانویدا هنلیگرتوون،
 پر پر پر و
 خالی خالی خالیش.
 پر پر پر له تاندیسیان.
 خالی خالیشله هه بادمهن.
 تاندیسیانکه دوچن له نهار جاویدانیده
 وکی فیزیازانک نادون،
 تا نهورم بلین: سدم سورون دمینهن؛
 ندم همودو نامستیره چون به قوقولایش ش
 خیزان هه نهاریوسه؛
 بیچو نهورنیان هه قیاره دروده؛
 ندو نهیتیمه چیمه که هیزندان ددادتن
 تا به درزیان شه،
 خیزان بدو بیشیمه دشداه شوبزکهندوه
 کچن یانیان شه نهیت و بدهنده ود،
 تز لیلین: شتیکن وک نهشق،
 مداده ایان(۱) بکات؟
 بیاخود هد بیکنیان پر خوشی
 تروساکیان عه شتیکن بویوت و
 به هزکاری هه زدیبلوپوش عیشه ود
 لدو دوورستانه(۲) پر نهینهه له نگهدا
 خخ له خغوا موادراده؛ خیزش ویستی جاو
 نهه نهارون به جوزریکت
 مانیقیستیه عشق دهکن و ئیزان جوان د
 نهوده، لدو دووره دددوره وشنیهه ود.

سترانی مارشی بیکاران



مآل‌های کان، کف‌شکن‌کان، سه‌رخمه‌ای و لاتان
بیونوئتمه موکتای چینیکس بیکار و به‌پیغور
نمادان لبهرنده ده‌گلوبند نین که قورس
کارکدن

بگام، ۹۹، سپر، ۲۹، چهار نیمه همه ووهان بینکارون
لکاتانکدا لر ۱۰۰ بینکارا هله کاشش و
فوشکووهه ازینی داده اشنه
نیمه هوهون به جهانگردیه و مدنیتین
بنا کاری و بکاری و بی پاره بنا
بی سس نهود و بی سوسو بنا و
بی سس نهود و بی سوسو بنا

بیکار، دو، سی، چوار نیمه هشتاد و
 پنجمین رین
 بیکاران
 بیکاران نیمه هشتاد و
 هشتاد و پنجمین، هارش دهکده
 هشتاد و پنجمین کاو و ستاران بخ فهمان هشتاد و
 پنجمین
 بخ و لاتینک، بخ جیهانگیری توخا
 که تیشداد خالک بپین به نازاری
 همچ چه است بیکار نهای
 لزم چهارمین تازه و نازارداد

گفتگو: نیازابیل فرای / و درگرانی له نه تماشیمهوه: پیشو رو مجه ۵۴

۱۰) به همه جارا هوند مرند و شامیمه یه دیش-مه ساین (اهدایکوبوی کراکوی یوتندان)، موزیقیهای ساین ۱۷۸۶-۱۷۷۷) سپویسیده و کوتوفوده، ساین ۱۷۸۶ نامه نامنه از نیکاران له نه اوناقشیر

که زانیه ایه دیشکاران که زانیان تیکه دهیده که له نه تماشی و عبیریه دهدتریاوه و دک

که زانیه ایه دیشکاران ساسروه و پاشان دوسته سرووده سارچمه روشکه دهیده و دزه

و یه نه تماشیمهوه دیشکاران ساسروه و پاشان دوسته ساین، کمک قیفیندا، به یه دیش، الکاران

نیازابیل فرای که پوه یه تماشمن ۲۰ ساین، نه کمک قیفیندا، به یه دیش، خوندکاران، سترانه که داد، نیازابیل فرای که دیشکاران کوتوفوده، نه کمک قیفیندا شاو لازون و خوندکاران، نه کمک قیفیندا

که تازه و هندنکی کوتارکاری کوتوفوده، نه کمک قیفیندا شاو لازون و خوندکاران، سترانه که داد

هیئتاده و هیئتاده هیئتاده سدر نه تماشی موقیدن، به لام به نه کمکتیزه یه دیشیه کیم هل به قیفیندا

و ۹)

پنهانی

به نیگاه‌کنی قوول و دوور
له چاوه‌کانی ته‌نیایی و هنی ده‌روانی و

که پیمانه کشی له ینوی دمکردوه،
مئذنکی قوانی له جگه رده که دادا و

دہیوں: لہم سہ ردهمی نامقیہ دا
کن ھئیہ پر نہیت لہ تھے نیایی؟
نہی کن تھے نیایی نہ وڑانہ وردہ و قتنی

که پیاوەکانیان لە ناو دوکە ئى جگە دەکانیاندا
تەنیای خۆیان دەکردد ناو پرچە ئاتۇسقاوەکەم؟
هاورىتكەم، يېستا شۇقۇرىتەكىسىيە و

شەو نىيە چەند زىنگ نەبات بۇ لاي
ئەم دەۋەتە نىدە سىكىكىرە تەننیيائانەي

رسوی سیکروشان و
رسوی پاره‌بینان، رسوی سیکروشان و
رسوی شه‌بیش له شه‌قامی سیکروشان

چند داده له پیاونه هه نهادگریت
که بو مانه خاموشه کانیان دهنده و
له روی دنگیان پرپرده له نوازی تهییی و

چاودکانیشیان فرمینسکی وشكی لیندنتی.

(۱) مه‌داران: وشهیدکه که له ههندی ناوچه گووندی
به کاربینن و به مانای (پیداران) دینت. ***

(۲) دوروستان: وشهیدکه خوم دامتشیوه و دکریت

۱۳) آنچه حکمه مرؤوفه، نیمه هم و مرؤوفه: کوئند
دو پوشیده را که کشکو و اپریشن ناچویه که لار و که
بمه مانس هم و پوشیده بکار دینتن

۱۴) آنچه عزوه هاشن: داده هست هاشن. نیمه و شش
گوئندیه کان بکار دینتن.

پژوهی: جازیرکت و پقاره نیشاندازه و
دبیت: جاوتازین خوان پو سازگه.
مینش دوا ل هاورنکدم دکام
نیوزید هدین: بربک در شارابه نیزگار زد
که دروستکاری گوندکهاینه، بیننت.
لینچا بالکنکیشت تهاییان دکمه و
هیسکمان بدیده کوه.
تا همه درز و کوونه تاریکه کاش روحان
ریش و روشن دبینته و، شهاب دقوتش.
ناواه، جازیرکت تهاییان ناشت دبینتمو.
بچ دست راکدیشتن به خویندن و
به دکتور و نه خوشانده
نهوان: گوندکهایان بیدجیشت و
کوچیان کرد بو شار بچ داینکردن خدجیشان
هاورنکدم نوارده ولاتان بیو.
فاطموده ناو و کارپنا و
کریض خاندو و خدوجین؛
داو و درمان دایک و باوکه
بدنه من و نه خوشکدی و
خونیندن برا و خوشکانه هینند زور بیون
چکه له سیکندرش داهات هیچ کاریکتیر
له عزدهایان (۴) ندهدهات.
نهو، له پال داینکردن خدجیبن
دمدان و خویندن و
روشکرندوهی دلی کاسکاری
مهربیدانه، تهاییان سدان پیاویش
نهو پیاوانه: له خوش و سیستکنیان دابری
یاخود له سر تنهان خد
زیارتان له هاووس رکذکیان
نهاییان داگیری کردگوون
نه، هر کاریکت یعنی شهاره زنده که

هدر له نه زله وده میزند و دنخشون بیوون.
شدو: پریهش له تاریکیه کانمان،
له تنهانه کانمان.
دندوانیت، پاور بهم دربرینهدم نه کهیت و بلیت
باس کام ته فهیانیم دکهیت!
نهایت نهاده که مروقه
دو دو دسته دیکیان رکوره و پیاسه دمکن؟
یان له سدر سکجه و میدانه کاشن شاردا سه ما
نهه نهود نهیه کارنجه و بارهکان،
که شاره دیرها و دوروگه قله شده کان
پریپن له مرقوفانه، به جووت و به کروب
جام شواره ایکانیان به زردکه نهود و
دیدندهن له پیکرنیه?
نهه همهو زرینگاهی جام شراب نیکدانه ناییس
ردکه منش له دل خودا و
له ایز نیواره وله دهون ته ایشانیه،
به للاه و ایازن نهوان شارشارکن نه تهاتک ته ناییان
به زرینگاهی جامه کانیان، راوده ووی ته ناییان دهن
له ناوختن نارویوین و ته نیسیس دنکه کاروی اش
ژاینه نهی هدزادان میلوون ته ایشانیه
گوچکه کانی کاس کردووم.
له میله، نازویومن کولونی کردووم.
ناشویویکیان تیندا به ریاکردووم
که هدر روزه و شیکن نوئی تیندا ده پشکون.
شیکن وک جادوو
که دمیکیش ده زان دهیتنه سما و
دمیکیش له ناو خودما و نم دمکات.
تنهانیانی من تاریه له شک.
هد کارتیک هست بکات که شکوی ده شکیت،
نهوا خوی پهنهان دگرت و
لینگه کاری تا بیزی به کم.

